

آموزش خط هیروگلیف مصری

نویسنده : دکتر آنجلا مکدونالد

ترجمه : بابک شیخ بیک لو اسلام

سرشناسه	: مکدونالد، آنجلا، ۱۹۷۴-م-	Mcdonald,angela
عنوان و نام پدیدآور	آموزش خط هیروگلیف مصری/نویسنده آنجلا مکدونالد، ترجمه بابک شیخ بیک لواسلام	
مشخصات نشر	تهران: سمیرا، ۱۳۹۲	
مشخصات ظاهری	۱۶۰ص:، مصور، جدول، نمودار.	
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۹۵۵-۴۸-۴:	
وضعیت فهرست نویسی	فیا:	
یادداشت	عنوان اصلی: write your own Egyptian hieroglyphs.	
یادداشت	کتابنامه.	
موضوع	زبان مصری-خط هیروگلیف	
موضوع	نام های مصری	
شاسه افزوده	شیخ بیک لو اسلام، بابک، ۱۳۶۰-	
رده بندی کنگره	۱۳۹۲: ۱۰۹۷/م ۷۱۸ pz	
رده بندی دیویی	۴۹۳/۱۱۱:	
شماره کتاب شناسی ملی	۲۱۰۰۴۲۸:	



آموزش خط هیروگلیف مصری

نوشته: آنجلا مکدونالد

ترجمه: بابک شیخ بیک لو اسلام

نشر سمیرا

چاپ اول، ۱۳۹۲، ۱۰۰۰ نسخه

امور اجرایی: میراث کتاب

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۵۵-۴۸-۴

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

مرکز فروش: میراث کتاب، تلفن ۶۳۴۵ ۶۶۴۶ و ۶۶۴۶۶۳۴۸-۲۱۰۰

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار مترجم : مصر
۲۱	دیباچه : یک نویسنده باش!
۲۹	I خط هیروگلیفی
۵۱	II افراد و نامهایشان
۷۹	III خدایان و نامهایشان
۱۰۱	IV حیوانات و نامهایشان
۱۲۳	V هیروگلیفهای کاربردی - کلمات و عبارات مصری
۱۴۷	حاصل سخن
۱۴۹	چگونگی ترسیم هیروگلیفهایتان - بعضی نکات و راهنمایها
۱۵۱	ترجمه و برگردان متون
۱۵۳	واژه نامه
۱۵۷	مطالعات بیشتر

پیشگفتار مترجم : مصر

"هاویت کو پتاه"^۱ یا نیایشگاه روح پتاه^۲، نام نخستین سرزمینی است که سومریها به آن موسرایا؛ اکدیها، میسیرا^۳؛ هیتیها، میزرا؛ فینیقیها، مودرا؛ عبریها، میسرایم^۴؛ پارسیها، مودرای؛ یونانیها، آیجیپتوس^۵ و عربها، مصر می گفتند. مصر که در شمال شرقی قاره آفریقا واقع شده، چون از جهات شمال و شرق به دو دریا، از سمت جنوب به کوهستان و از طرف غرب به بیابانهای خشک و لم یزرع میرسد، در دوران باستان محیط آرامی برای زندگی نوع بشر به شمار میرفت و این کشور به دلیل موقعیت جغرافیاییش، فرهنگ خاصی داشت که در طی چندین قرن، از پدید آمدن سلسله ها تا مستعمره شدن آن، تغییرات شگرفی نکرد. مصر از گذشته های دور بدلیل نوع و شکل معماری بناها و علائم تصویری بجای مانده از پیشینیان، مورد توجه بسیاری از شکارچیان گنج، موزه داران و باستان شناسان بوده است. از زمانیکه ژان فرانسوا شامپولین توانست خط هیروگلیف را رمز گشایی کند نزدیک به دو قرن سیری گشته و در طی این زمان نسبتاً طولانی ناشناخته های بسیاری درباره اسامی پادشاهان، تاریخ، اساطیر و فرهنگ جامعه دین سالار مصر آشکار شده است. ما امروز میدانیم، حکومت های مصر علیا که بخش جنوبی این

^۱ Hawit Ku Ptah که بعدها به صورت "هیکوپتاه" نوشته شده است.

^۲ در اصل نام شهر ممفیس بوده است.

^۳ به معنی جای راست و نازک که اشاره به شکل این کشور در امتداد رود نیل دارد.

^۴ یونانیها به شهر ممفیس نیز آیجیپتوس میگفتند که بنا بر نظر استرابو به معنی "سرزمینی زیر دریای اژه" است.

^۵ اردشیر خدادیان ۱۳۸۸، تاریخ مصر باستان، تهران: انتشارات سخن صص ۱۳-۱۴



سرزمین و مصرسفلی که بخش شمالی آنست ، در حدود اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد یکپارچه شدند و فراعنه با بر سر نهادن تاج سفید (مخصوص پادشاهان مصر علیا) و سرخ (مخصوص پادشاهان مصر سفلی) قدرت مطلق مصر گردیدند. ولی باید اذعان داشت که این نهاد قدرتمند بدون حمایت و پشتیبانی کهنه که نبض اعتقادی مردم را در دست داشتند زمان درازی قادر به ابراز وجود نبود. آمون هوتپ چهارم یا آخناتن نمونه ای است از یک فرعون بخت برگشته که اگرچه در دوران حیات خود توانست نفوذ کاهن خدای آمون را محدود نماید ولی با مرگ زود هنگامش نه تنها خدایی که مبلغش بود مطرود شد بلکه نام او نیز به عنوان یک رافضی عاصی در دفتر فراموشی ثبت گردید.

اولین فرعون مصر در واقع یکی از پادشاهان مصر علیا در بخش جنوبی بود که در حدود ۳۱۰۰ ق.م بر پادشاهی مصر سفلی چیره شد و بدینسان کشور واحدی پدید آورد. بر طبق اساطیر مصری نام او منس^۱ بود ولی مورخین شخصی به نام نارمر را بنیانگذار پادشاهی یکپارچه مصر معرفی کرده اند. گمان می رود که منس همان نارمر باشد. پایتخت این حکومت جدید ، شهر ممفیسی بود ، جایی در نزدیکی مرز میان مصر علیا و سفلی. خدای نگهبان این شهر ، پتاه نام داشت. اسطوره ایزیس^۲ و سث^۳ در واقع بازتاب جدال حکومت های شمال و جنوب این سرزمین است که در نهایت به پیروزی هوروس ، فرزند ایزیس و ایزیس ، بر سث ختم می شود. در این اسطوره ، سث به دلیل حسادت به برادرش ، ایزیس ، توسط خدعه ای او را میکشد و سر به نیست می کند ولی ایزیس که همسر اوست در پی شوهرش به هر کجا که می تواند سفر

^۱ Menes

^۲ Osiris

^۳ Seth

می‌کند و دست آخر نیز او را می‌یابد و تکه‌های بدن او را به هم پیوند می‌دهد اما آلت او را که توسط یک ماهی افسانه‌ای بلعیده شده نمی‌تواند بدست آورد. ایزیس به کمک خواهرش، نفتیس^۱، که همسر ست نیز هست، با نیروی جادو خود را آبستن می‌کند و فرزندی را که بدنیا می‌آورد هوروس می‌نامد. هوروس کسی است که برای انتقام جویی برمی‌خیزد و ست را مغلوب می‌کند. هوروس فرمانروای دنیای زندگان می‌شود و پدرش ایزیس حاکم جهان مردگان. به همین خاطر فرعون تا زمانیکه زنده بود مظهر هوروس بود و بعد از مرگش مبدل به ایزیس می‌گردید.

اما همیشه در مصر زندگی به یک چیز بسته بوده است. رود نیل. سیلابهای سالیانه این رود بزرگ که امکان کشاورزی را فراهم می‌کرد به عنوان خدای ها پی پرستش می‌گردید. نیل که از طرف جنوب به شمال جریان دارد^۲ و از به هم پیوستن دو رود نیل سفید و نیل آبی بوجود می‌آید در نهایت به دریا ی مدیترانه می‌ریزد. مصریان باستان در حاشیه حاصلخیز این رود ساکن بودند. آنها اعتقاد داشتند که نیل مرزی است میان مرگ و زندگی، چراکه خورشید حیات بخش از طرف شرق نیل طلوع می‌کرد و در طرف غرب آن غروب. به همین خاطر ساحل غربی این رود، گورستان بود و حاشیه شرقی آن محل احداث کاخها، معابد و خانه‌ها. اهرام مصر با همه عظمتی که دارند در حقیقت مقابر پله‌ای شکل فراخه‌ای از سلسله‌های اولیه می‌باشند. ظاهراً ایمهوتپ وزیر زوسر از سلسله سوم اولین هرم پله‌ای را در حدود ۲۶۵۰ ق.م طراحی و بعنوان هرم زوسر در ساکارا بنا کرده است. ولی آنچه ما امروز به نام اهرام ثلاثه واقع در جیزه می‌شناسیم در سلسله چهارم (قرن ۲۶ ق.م) ساخته

^۱ Neftis

^۲ بر طبق جریان رود نیل، مصریان باستان، جنوب مصر را شمال و شمال را جنوب می‌دانستند.



شده اند. هرم بزرگ ، مقبره خوفو یا خنوپس ، هرم متوسط ، مقبره خفرن^۱ و هرم کوچک ، مقبره منکاره^۲ است. نزدیک هرم خفرن بنایست به نام اسفینکس بزرگ یا ابوالهول که گمان می‌رود صورتش چهره خفرن باشد ولی بدلیل شکستگیهای آن ، درستی این حدس قابل اثبات نیست.

زمانیکه از طلوع و غروب خورشید سخن رفت یک چیز نیمه کاره ماند و آن بیان عظمت و تاثیر این پدیده طبیعت در نهاد مصریان است. در مصر ، خورشید ، خدای خدایان بود. حرارت و روشنیدگی آن مهم تر از طغیانهای سالیانه نیل بود. این وجود هستی بخش ، آتوم ویا رع^۳ ، نام داشت. بر طبق باور مصریان ، خورشید ، روزها بر جهان زندگان می تابید و شبها از انتهای مغرب به زیر زمین میرفت و جهان مردگان را روشن می کرد تا اینکه دوباره از طرف شرق طلوع کند. نام خدای رع در دوره جدید با نام آمون همراه می گردید. آمون در ابتدا یک خدای محلی بود که شاهان تبس^۴ در اواسط هزاره دوم ق.م آنرا در سلسله مراتب خدایان رفته رفته بالا کشیدند و در کنار خدای بزرگ مصر ، رع ، نشانند. در اسطوره هلیوپولیس یا خورشید شهر ، آمون یکی از هشت خدای مصر بود که هر کدام به شکل جانوری مجسم می شدند و مظهر هیولاهای آغازین یا بی نظمی اولیه بودند. اسامی این هشت خدا ، آمون و همسرش آماونت ، کک و همسرش کاوکت ، هه و همسرش هاوهت ، نون و همسرش

^۱ Khefren

^۲ Menkare

^۳ آتوم یعنی یگانه کامل. او که از خدایان هلیوپولیس بود، خورشید خدایی از دوران پیش از سلسله ها به شمار می‌رود. او بنیانگذار انعام هلیوپولیس بود. آتوم چون آفریننده خدایان و انسانها بود و نظم آسمان و زمین را بوجود آورده بود، او را خدای دو جهان مینامیدند. (ورونیکا ایونس ۱۳۸۵ اساطیر مصر، ترجمه : باجلان فرخی. تهران، انتشارات اساطیر، ص ۵۵) نام رع از سلسله پنجم بکار رفته و فرعون به عنوان پسر رع خوانده شده است.

^۴ Thebes

ناونت^۱ بود. چهار مار^۲ و چهار وزغ. این خدایان که معروف به آگدواها^۳ هستند ، پیش از آفرینش ، حاکمین جهان بودند تا اینکه سرانجام آتوم خود را خلق میکند! و هموست که بر این هیولاها چیره شده و به جهان نظم می بخشد. آتوم که خدای خورشید بود ، اغلب اوقات نامش با نام رع بکار میرفت. بنابر اسطوره قدیمتر دیگری ، آتوم خود را بارور میکند و از او شو^۴ یا هوا و تفتنوت^۵ یا رطوبت زاده می گردند. از این دو نیز گب^۶ خدای زمین و نوت^۷ زن-خدای آسمان بوجود می آیند. گب و نوت هم به نوبه خود ازیریس ، ایزیس ، ست و نفتیس را به دنیا می آورند. در زمانیکه ممفیس پایتخت مصر بود ، چون پناه خدای محلی این شهر به شمار میرفت ، عمل آفرینندگی به این خدا نسبت داده میشد ؛ به فرمان او آتوم و بقیه خدایان نه گانه^۸ هلیوپولیس بوجود می آیند. او با استفاده از قلب و زبان خویش به خدایان دیگر زندگی بخشید. پناه هر گاه که هویت چیزی را بر زبان میراند آن چیز بیدرنگ خلقت می یافت. او همه خدایان را بوجود آورد و به کا تنن مبدل شد، یعنی "آنکه تمامی زندگی از او سرچشمه میگیرد". پناه پس از آفرینش خدایان برای آنها شهر، مکان مقدس، زیارتگاه و هدایای دائمی نیز مقرر نمود.^۹

اساطیر در زندگی و فرهنگ مصریان نقش مهمی را ایفا میکردند. در حقیقت مذهب این مردمان برآمده از همین اساطیر بود. آنها توسط این داستانها برای

^۱ amun, amaunet, kek, kauket, heh, hauhet, nun, naunet

^۲ آمون ، نون ، کک ، هه

^۳ Ogdoads

^۴ Shu

^۵ Tefnut

^۶ Geb

^۷ Nut

^۸ شو ، تفتنوت ، گب ، نوت ، ازیریس ، ایزیس ، ست و نفتیس

^۹ جرج هارت ۱۳۸۸، اسطوره های مصری، ترجمه : عباس مخیر، نشر مرکز، صص ۱۶-۱۷.



خدایانشان که هر کدام به شکلی تصور میشدند نسبت‌های خانوادگی بوجود می‌آوردند و آنها را به هم مرتبط می‌کردند. در اینجا ذکر یک نکته جالب است و آن این است که در اساطیر مصری زمین یک مرد-خدا است و آسمان یک زن-خدا، ولی در اساطیر کشور همجوارش یعنی میان رودان، زمین به نام "کی"، یک زن-خداست و آسمان به نام "آن" یا "آنو"، یک مرد-خدا می‌باشد. زمین به باور بسیاری از مردمان باستان به دلیل باروری، مونث قلمداد می‌شده و آسمان، مذکر. شاید بدلیل اینکه زمینهای کشاورزی تنها محدود به حاشیه رود نیل می‌شدند و مابقی زمینها بدلیل خشکی زیاد قابل کشت نبودند، زمین در نظر مصریان نمیتوانست مظهر باروری و زایش باشد. ما میدانیم که اهالی میان رودان برای آبیاری زمینهای کشاورزی خود جوی هایی حفر کرده بودند و متکی به طغیانهای فصلی و منظم رودهای دجله و فرات نبودند چراکه اساسا این دو رود چنین قابلیتی ندارند و به همین خاطر چون امکان استفاده از زمینهای بیشتری برای کشاورزی داشتند، زمین را همچون بانویی بارور شونده تصور می‌کردند ولی مصریان برای کشاورزی شدیداً به نیل وابسته بودند و باروری را حاصل طغیانهای این رود می‌دانستند. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که اساطیر هر سرزمین ریشه های عمیقی در فرهنگ و جهان بینی های پیشین مردمانش دارند.

رکن اصلی کیهان شناسی مصری، آب های نخستین است. چیزی که شبیه به یک دریا نبود بلکه آبهای نخستین، بالا و پایین را در بر گرفته بود. هیچ جایی برای هوا و چشم انداز وجود نداشت. همه چیز تاریک و بی شکل بود. آبها مواد اصلی جهان

هستند و تمام چیزهای زنده وابسته به آن می باشند. اقیانوس اولیه برای مصریان به عنوان نون (Nun) شناخته می شده که پدر خدایان است.^۱

اما ظاهراً در اساطیر مصری، چگونگی آفرینش انسان مطلب آنچنان با اهمیتی نیست. خنوم^۲ نام خدایی است که در تصاویر با یک چرخ سفالگری مشغول سرشتن انسان است. تنها نتیجه حاصل از این اسطوره یا از این طرز فکر این است که تصور آفرینش انسان از گل در سرزمین مصر سابقه دیرینه ای داشته است.^۳

پیشتر بیان شد که هر کدام از خدایان مصری به شکلی تصور می شدند؛ انسان و یا حیوان. در حقیقت می توان گفت این مردمان در ابتدا توتم پرست بودند که نیاپرستی را موازی با آن در پیش گرفتند. از مظاهر نیاپرستی، رهبری جوامع کوچک توسط پیر عشیره یا قبیله است. این رهبران، نماد توتمشان را که شکل یک جانور بود به عنوان نشان خود برمی گزیدند تا از دیگران تمیز داده شوند. این حیوانات مقدس یا توتمها به تدریج به عنوان خدایان پرستش شدند و شامانها^۴ و ریش سفیدها نیز به مقام کاهنی آنها رسیدند. یکی دیگر از ویژگیهای نیاپرستی، اعتقاد به حیات واپسین است. در مصر بخوبی می بینیم که نماد خدایان، همانطور که در خط هیروگلیف نیز مشهود است، حیوان مقدسشان می باشد که در واقع همان توتم ابتدایی بوده که بعدها به مقام خدایی رسیده است و همچنین باورمندی به زندگی بعد از مرگ نیز آشکارا دیده می شود. مصریان معتقد بودند که پس از

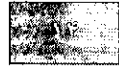
^۱ Rundle Clark, R.T., 1991. Myth and Symbol in Ancient Egypt. Edited Thames and Hudson, pp. 35-36.

^۲ Khnum

^۳ ساموئل هنری هوک ۱۳۸۱، اساطیر خاور میانه، ترجمه بهرامی و مزدآپور، انتشارات روشنگران و مطالعه زنان، صص

۹۳-۷۷.

^۴ حکیم - ساحران



مرگ ، با وجودیکه جسم از حرکت می ایستد ولی زندگی متوفی ادامه می یابد. به زعم ایشان در انسان دو عامل به نامهای "کا" و "با" وجود داشتند که نمایانگر سایه و شخصیت او بشمار می رفتند. پس از مرگ ، کا به سوی خدایان می رود و با در قبر، کنار جسد باقی می ماند. همین نوع باور بوده است که مصریان باستان را به مومیایی کردن اموات و ساختن مقابر بزرگ مطابق برای پادشاهان واداشته است. زندگی پس از مرگ همیشه در ذهن این مردم دارای جایگاه خاصی بود. آنها به داشتن یک قبر مناسب برای ادامه حیات بعد از مرگ اهمیت بسیاری می دادند. برای مردگان خود در قبورشان پیکرک هایی می ساختند تا خدمتگذار آنها باشند و حتی در بعضی از گورها دیده شده که این پیکرکها پا نداشتند تا فرار نکنند! البته نباید اعتقادات مردمان آن دوره را به تمسخر گرفت چون تفاوت موقعیت ها و نیازها ، مجموعه تصورات و باورهای ملت ها را در طول تاریخ می سازند. به احتمال زیاد اگر مصریان باستان از معتقدات امروز ما مطلع میشدند ، برایشان قابل درک نبود. باری ، مردم مصر با ایمان و اعتقاداتشان زندگی میکردند ، هرچند که بدوی و خرافی بودند.

حکومتهای مصر باستان شامل سی و یک سلسله می شوند. به سلسله های اول و دوم ، سلسله های عتیق اطلاق میشود که اولی از ۳۱۰۰ تا ۲۸۹۰ ق.م با هشت پادشاه و دومی از ۲۸۹۰ تا ۲۶۸۶ ق.م با شش پادشاه برعرصه مصر فرمانروایی کردند. در این دوره بنیاد و اساس یک پادشاهی متحد در شمال و جنوب به مرکزیت ممفیس ریخته شد. دوره بعد به دوره سلسله های قدیم معروف است که سلسله های سوم تا ششم را شامل میشود. سلسله سوم از ۲۶۸۶ تا ۲۶۱۳ ق.م با پنج پادشاه ، سلسله چهارم از ۲۶۱۳ تا ۲۴۹۴ ق.م با شش پادشاه ، سلسله پنجم از ۲۴۹۴ تا

^۱ جلال الدین آشتیانی ۱۳۷۷، مدیریت نه حکومت، شرکت سهامی انتشار صص ۱۴۵-۱۷۲.

۲۳۴۵ ق.م با نه پادشاه و سلسله ششم از ۲۳۴۵ تا ۲۱۸۱ ق.م با پنج پادشاه. این دوره یکی از درخشانترین و قدرتمندترین دوران سلطنت فراعنه می باشد ، به ویژه در سلسله های سوم و چهارم که هرم زوسر در ساکارا و اهرام ثلاثه در جیزه بنا گردیده اند. به احتمال قریب به یقین ابوالهول نیز در همین دوره ساخته شده است. پس از این دوره شکوفایی ، از حدود ۲۱۸۱ ق.م ، دوره فترت اول در مصر آغاز می شود که طی آن ، قدرت مرکزی در برابر قدرتهای محلی داخلی ضعیف شده ، این کشور به خصوص از لحاظ سیاسی دچار نابسامانی میگردد ، همچنین خلق آثار هنری نیز به دلیل ضعف اقتصادی متوقف میشود و دیگر از ساخت بناهای باشکوه خبری نیست. این دوره تا به قدرت رسیدن مجدد حکومت مرکزی ادامه می یابد. سلسله های هفتم و هشتم از ۲۱۸۱ تا حدود ۲۱۶۰ ق.م جمعا با حدود بیست و سه پادشاه و سلسله- های نهم و دهم از حدود ۲۱۶۰ تا ۲۰۴۰ ق.م جمعا با حدود هشت پادشاه.^۱ قهرمان یکپارچه کردن مصر در این زمان فردیست از شهر تبس به نام نب هیٔ رع مینتو هوتپ. او بنیانگذار سلسله یازدهم فراعنه و آغازگر دوره سلسله های میانی میباشد. سلسله یازدهم از ۲۱۳۳ تا ۱۹۹۱ ق.م با هفت پادشاه و سلسله دوازدهم از ۱۹۹۱ تا ۱۷۸۶ ق.م با هشت پادشاه بر مصر حکمرانی کردند. از این زمان مصر دوباره یک دوره فترت دیگری را تجربه می کند. پنج سلسله که دوتا از آنها (پانزدهم و شانزدهم) آسیایی بوده و به نام هیکسوسها در تاریخ مصر شناخته می شوند ، این دومین دوره فترت را سپری کردند. سلسله شانزدهم هیکسوسها و سلسله هفدهم که یک حاکمیت کوچک محلی با شاهان مصری - تبسی بود همزمان بودند. آخرین پادشاه سلسله هفدهم ، کاموس ، با هیکسوسها وارد جنگ شد و سرانجام جانشین او ، اهموز، توانست آنها را برای همیشه شکست دهد. اهموز مؤسس سلسله

^۱ پادشاهان و زمان فرمانروایی آنها در دوره های فترت به درستی مشخص نیستند.



هجدهم است. سلسله سیزدهم از ۱۷۸۶ تا حدود ۱۶۳۳ ق.م با تقریباً سی و نه پادشاه ، سلسله چهاردهم از ۱۷۸۶ تا حدود ۱۶۰۳ ق.م با تقریباً یازده پادشاه ، سلسله پانزدهم از حدود ۱۶۷۴ تا ۱۵۶۷ ق.م با تقریباً پنج پادشاه ، سلسله شانزدهم از حدود ۱۶۸۴ تا ۱۵۶۷ ق.م با تقریباً بیست پادشاه و سلسله هفدهم از حدود ۱۶۵۰ تا ۱۵۶۷ ق.م با تقریباً پانزده پادشاه. سلسله هجدهم که با آن سلسله های جدید آغاز میشوند از ۱۵۶۷ تا ۱۳۲۳ ق.م با چهارده پادشاه تداوم داشت. در اواخر این سلسله مصر دوران آشوب دیگری را به خود میبیند ، البته اینبار بدلیل آئین پرستش جدیدی که دهمین پادشاه این سلسله مبلغ آن بود. این فرعون موحد همان آخناتن است. حدس زده میشود که کاهنین خدای دولتی آنروز یعنی آمون او را به قتل رسانده باشند تا اولاً قدرت از دست رفته خود را بازیابند و دوم اینکه مانع همه گیر شدن دین یکتاپرستی وی شوند. آتنی که نمادش قرص خورشید بود ، نام وجود اعلائی بود که آمون هوتپ چهارم آنرا می پرستید و آرزو داشت که تمامی مصریان و شاید جهانیان نیز او را پرستند. بعضی از محققین معتقدند که موسی (ع) همزمان با آخناتن میزیسته است و ممکن است آتن و یهوه دو نام برای یک خدای واحد باشند.

سلسله هجدهم از ۱۳۲۳ تا ۱۲۰۰ با شش پادشاه از نیرومندترین سلسله های مصر از لحاظ ، خصوصاً ، نظامی بوده است. رامسس دوم (۱۳۰۴ تا ۱۲۳۷ ق.م) این سلسله را به اوج شکوه خود رساند. این همان فرعون ست که در تورات نامش ذکر شده است. البته بعضی معتقدند جانشین او ، مرنپتاه ، بود که به قهر یهوه گرفتار

شد^۱، چون در این متن صحبت از دو فرعون است. تاکنون زمان دقیق حیات موسی (ع) بدرستی مشخص نشده و همه نظریات مبتنی بر حدس و گمان هستند. باری، در اواخر سلسله نوزدهم بار دیگر مصر دچار بی نظمی می شود و یک فرد سوری به مقام فرمانروایی مصر می رسد ولی دیری نمی پاید که سث ناخته زمام امور را به دست میگیرد و سلسله بیستم را تاسیس می کند. سلسله بیستم از ۱۱۸۵ تا ۱۰۷۰ ق.م با ده پادشاه که به جز اولی همه رامسس نامیده میشدند سپری میگردد. در اواخر این سلسله (رامسس یازدهم)، مصر متصرفات خارجیش را از دست میدهد و قدرت فرعون بین کاهن اعظم آمون و وزیر مصر سفلی به مرکزیت شهر تانیس تقسیم میگردد. این وضعیت تا زمان حمله اسکندر (۳۳۲ ق.م) برقرار بود. دوران فترت سوم با پایان سلسله بیستم آغاز میشود. از ۱۰۷۰ تا حدود ۹۵۹ ق.م در تبس تقریباً نه کاهن اعظم به ترتیب به قدرت می رسند که همزمان است با سلسله بیست و یکم که از ۱۰۷۰ تا حدود ۹۴۵ ق.م با تقریباً هشت پادشاه بر مصر حکمرانی میکند. سلسله بیست و دوم از حدود ۹۴۵ تا ۷۱۲ ق.م با تقریباً یازده پادشاه، سلسله بیست و سوم از حدود ۸۱۷ تا ۷۱۲ ق.م با تقریباً یازده پادشاه به مرکزیت تانیس، سلسله بیست و چهارم از حدود ۷۲۷ تا ۷۱۲ ق.م با دو پادشاه و سلسله بیست و پنجم از حدود ۷۴۷ تا ۶۵۶ ق.م با تقریباً پنج پادشاه بر این کشور فرمانروایی می کنند. از سلسله بیست و ششم دوره سلسله های متاخر آغاز می شوند. سلسله بیست و ششم از ۶۶۴ تا ۵۲۶ ق.م با هفت پادشاه سرانجام مغلوب پارسیان به رهبری کبوجیه میشود و سلسله پارسی-مصری بیست و هفتم تا زمامداری اردشیر دوم هخامنشی تداوم مییابد. سلسله بیست و هشتم با طغیان و استقلال مصر توأم است

^۱ موریس بوکای ۱۳۸۲، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه: ذبیح الله دبیر، نشر فرهنگ اسلامی،

که از ۴۰۴ تا ۳۹۹ ق.م با یک پادشاه به طول می انجامد. سلسله بیست و نهم از ۳۹۹ ق.م آغاز شده پس از حکمرانی چهار پادشاه در ۳۸۰ ق.م پایان می پذیرد. سلسله سی ام از ۳۸۰ تا ۳۴۳ ق.م با سه پادشاه و نهایتاً با سقوط سلسله سی و یکم از ۳۴۳ تا ۳۳۲ ق.م بعد از سه پادشاه هخامنشی، مصر به دست مقدونیها و یونانیها تسخیر می شود و حکومت بطلمیوس ها در این سرزمین برقرار میگردد که تا ۳۰ ق.م بر کرسی فرمانروایی مصر تکیه می زنند. در این تاریخ کشور روم، مصر را به تصرف در می آورد و به عنوان یک ایالت، آنرا ضمیمه قلمروی پهناور خود می کند.^۱ و اینگونه بود که عظمت مصر به فراموشی سپرده شد تا زمانیکه باستان شناسان پرده از رازهای بیشمار آن برداشتند و تاریخ این سرزمین کهن را به جهان معرفی کردند.

هدف از ارائه مطالب بالا این بود که خواننده عزیز به هنگام فراگیری خط هیروگلیف مصری، دید بازتری نسبت به فرهنگ، اساطیر و تاریخ این کشور باستانی داشته باشد. با وجودیکه این کتاب برای مطالعه عموم توسط دکتر آنجلا مکدونالد از دانشگاه گلاسکو به رشته تحریر درآمده است ولی می تواند برای دانشجویان رشته های فرهنگ و زبانهای باستانی و باستان شناسی تاریخی بی فایده نباشد. لازم به ذکر است که بعضی از عبارات و اصطلاحات انگلیسی این کتاب که در برگردان خطوط هیروگلیفی آمده اند، در فرهنگ و زبان ما به خوبی گویا نمی باشند و همچنین بدلیل اینکه بسیاری از کلمات انگلیسی که در ترجمه کلمات مصری بکار رفته اند، بیش از یک معنی دارند و بعضاً با متنی همراه نیستند که بتوان بدرستی مفهوم آنها را دریافت و از این بابت اطمینان حاصل کرد، لذا به همراه ترجمه فارسی و شیوه قرائت کلمات مصری، تا حد امکان کلمات و عبارات انگلیسی متن اصلی نیز آورده

^۱ توضیحات در خصوص سلسله ها از جداول مختلفی اخذ گردیده اند ولی منبع اصلی "مبانی باستانشناسی ایران، بین النهرین و مصر" بوده است.

شده اند تا اگر خطایی از مترجم کم تجربه سرزده است اساتید بزرگوار گوشزد فرمایند. مدت چند سالی این حقیر در پی کتابی با هدف آموزش خط هیروگلیف مصری بود که خوشبختانه در بهار گذشته (۱۳۹۰) نسخه ای از چنین کتابی تحت عنوان "هیروگلیفهای مصری خودت را بنویس"^۱ بدستم رسید و با توجه به نبود چنین اثری به زبان فارسی، اقدام به ترجمه آن نمودم. امید است علاقمندان و دانشجویان عزیزی که به تاریخ و فرهنگ مصر باستان توجه دارند از این کتاب استفاده نمایند. در انتها لازم میدانم که از استاد بزرگوارم مهندس جلال الدین آشتیانی که کتب تحقیقی ارزشمند ایشان درباره ادیان و عرفان همیشه راهنمایم بوده اند یاد کنم. روانش شاد.

بابک شیخ بیکلو اسلام - مهرماه ۱۳۹۰ خورشیدی

¹ "write your own Egyptian Hieroglyphs"

دیباجه - یک نویسنده باش!

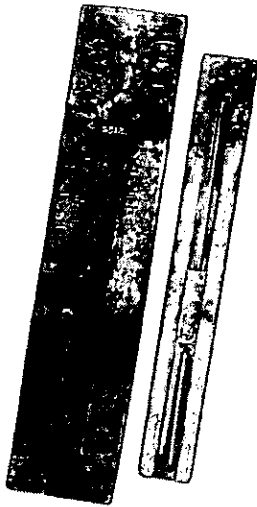
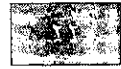
"صبح با انگشتانت بنویس ، شب از بر بخوان.

رفیق کاغذ و رنگدان باش ، این مفیدتر از شراب است."^۱

پاپیروسی از پادشاهی جدید

"یک نویسنده باش!" ، ندایی است که متون مدرسه ای مصر باستان را پر کرده است. این متون ، مثل پاپیروس بالا ، توسط پسرانی که مهارت گرانبهای نوشتن را یاد می گرفتند ، به رشته تحریر درآمده اند. کاتبهای نوآموز به دلیل توانایی در نوشتن ، به مقام ، سعادت‌مندی و - مهمتر از همه - به نامیرایی وعده داده می شدند. بر طبق یک نوشته ، "انسان میمیرد ، بدنش به خاک تبدیل میگردد... ولی نوشتن موجب می شود که او در خاطره ها باقی بماند." اکنون تو فرصت اینرا داری تا به جرگه ایشان ملحق شوی.

^۱ "by day write with your fingers, recite by night. Befriend the scroll and the palette – it's more fulfilling than wine!



پالت هایی متعلق به یک نقاش (چپ) و یک کاتب (راست). هر دو از چوب ساخته شده اند و دارای شیارهایی جهت قرار گرفتن قلمهای نئین و فرورفتگی هایی برای ریختن رنگ می باشند. پادشاهی جدید

هدف این کتاب این است که به شما بیاموزد چطور خودتان هیروگلیف بنویسید. تاکید روی دریافتن این موضوع است که مصریان چگونه اسامی پدیده های

پیرامونشان را می نوشتند و سپس ، آموزش نوشتن به خط هیروگلیف. راهنماییهای عملی سراسر کتاب نشان میدهند که چطور از هیروگلیف ها برای نوشتن اسامی خودتان ، دوستانتان ، حیوانات خانگیتان و حتی خانه تان استفاده کنید. در انتهای کتاب توصیه هایی قدم به قدم درباره چگونگی ترسیم بعضی از علائم دشوار وجود دارند.

با وجودیکه در این کتاب هیچ کوششی برای بیان دستور زبان مصری باستان انجام نگرفته است ولی فصل ۱ بعضی از اصول خط هیروگلیف را ارائه میدهد - که چطور رمز گشایی شده اند و کلمات به چه صورت نوشته و خوانده میشوند - و به شما می آموزد که چطور از الفبای هیروگلیف استفاده نمایید. فصل ۲ به چگونگی نامیدن افراد به زبان مصری میپردازد ، همانند اسامی خانوادگی ، دوستان و دشمنان و به شما یاد میدهد که چطور نام مصری خودتان را به هیروگلیف بنویسید. فصل ۳ روی نامهای تعدادی از خدایان مصری ، از خدایان دولتی معروف مثل ایزیس و آنوبیس تا دیوهای اسرارآمیز کمتر شناخته شده تمرکز می کند و بیان میدارد که

چطور یک هویت مجازی زیبا برای خودتان بوجود بیاورید (و حتی برای خانه خودتان!). فصل ۴ اسامی مصری حیوانات وحشی و اهلی که همجوار ایشان زندگی می کردند ، بویژه حیوانات خانگیشان را بررسی می کند و به شما نشان می دهد که چگونه می توانید یک نام مصری تحسین برانگیز برای حیوان خانگیتان بسازید. همچنین به این موضوع می پردازد که چطور مصریها از هیروگلیفهای حیوانی برای نشان دادن احساسات انسانی استفاده می کردند. فصل ۵ ارائه دهنده مجموعه ای از عبارات مصری موثق است - سلام و احوال پرسی ، ابراز تسلیت و سوگواری و تعداد زیادی دشنام تا در نوشتارتان از آنها استفاده نمایید.

چه چیزی در یک نام نهفته است؟



نام یک مرد دلیر در فضایلش است:

این هرگز تا ابد در این سرزمین نخواهد مرد.

زندگینامه آهموس ، پسر ایانا. پادشاهی جدید



دلیل تمرکز روی اسامی چیست؟ در مصر باستان ، کارایی نام افراد ، حیوانات ، مکانها و اشیاء خیلی بیشتر از یک عنوان ساده بود ؛ آنها شعله حیات را در وجود ایشان حفظ می کردند. برآستی هیچ چیز نمی توانست وجود داشته باشد تا وقتی که نامی به او داده نشده بود چراکه یک نام بیانگر یک ویژگی بود و به تبع آن ، نقشی در دنیا ایفا می کرد. در نتیجه ، مقدار زیادی از مفاهیم در نامها قرار می گرفتند که اغلب ذات شخص یا شیئی را که آن نام را می گرفت انعکاس میدادند. با استفاده از این کتاب و فراگیری چگونگی تجزیه و تحلیل نامهای مصری افراد ، حیوانات و خدایان ، شما دنیای مصریان باستان را بواسطه باورهایشان خواهید شناخت.

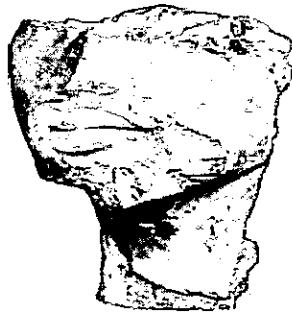


این ستون سنگی ساده که بر گور کوتوله ای به نام نفرت^۱ (کمال) نصب گردیده برای تداوم خدمت از جانب وی به شاه سمرخت^۲ پیشکش شده است.

^۱ neferet

^۲ semerkhet

حک کردن یک نام می توانست دارنده آن نام را تا ابد زنده نگه دارد و برعکس ، پاک کردن آن نام می توانست وی را محکوم به فراموشی نماید. شواهد بسیاری درباره قدرت نامها در تاریخ و اسطوره شناسی مصری وجود دارند ولی در یک کلام ، حکومت نافرجام شاه آخناتن "رافضی" (حدود ۱۳۵۳ تا ۱۳۳۶ ق.م) در میان آنها از همه غم انگیزتر است. آخناتن ("روح آتن") از سلسله باشکوه هجدهم ، به طوری که مشهور است ، نام سنتی خود را که آمن هوتپ (آمون راضی است) چهارم بود ، به منظور بازتاب عشقی که در او بسان آتش میسوخت - به نشان بیعت خویش با خدای جدیدش ، آتن ، و تنفرش از خدای نیاکانش ، آمون - ترک گفت. او با آمون وارد جنگ شد ، عوالمی را به سراسر امپراطوریش فرستاد تا هر تصویری از او را محو و هر ذکری از نامش را پاک نمایند تا بدین وسیله وجود آن خدا نابود گردد. ولی با گردش تقدیر ، آخناتن از سوی حاشیانش که به سرعت به سنت پیشین بازگشتند دچار همان رفتار شد. در حالیکه نامها و تصاویر آمون دوباره به منظور احیا حکاکی می شدند ، چهره و تمام آخناتن ، به همراه خانواده اش ، به فراموشی سپرده شدند. اگر آثاری از او (مثل سر شکسته یکی از مجسمه های شاه مزبور در معبد بزرگ آتن در امارنه) باقی مانده اند ، بر حسب اتفاق بوده است.



سر عمدا شکسته شده آخناتن. پادشاهی جدید.

فقط مفهوم کلمات به اسامی قدرت نمیبخشیدند بلکه شیوه نگارش آنها نیز اهمیت داشت. هیروگلیفهای مصری باستان یکی از مؤثرترین روشهای نگارش در جهان به شمار میروند. آنها می توانستند تمایزات ریز و درشت مفهومی را که اغلب به ناگزیر در ترجمه نمی آیند انتقال دهند.

در سراسر این کتاب ، شما معانی مختلف اسامی مصریان و پدیده های پیرامونشان را بررسی خواهید کرد. شما درخواهید یافت ، که چطور هیروگلیفهایی که برای نوشتن اسامی ترسیم شده اند ، به منظور تاثیر گذاشتن بر مفهوم آنها بکار رفته اند. درست مثل یک نویسنده مصری ، شما خواهید توانست مکتوباتتان را بخوانید - تمامی کلمات مصری که در فصول مختلف آمده اند ، با نحوه تلفظ نزدیک به آنها (با خط نوشتاری مورب) و ترجمه ، به همراه هیروگلیفهای اصلیشان آورده شده اند. پس بیایید با هم شروع کنیم - یک نویسنده باش!